شبهه‌شناسی
گفتمان سازی
و پاسخ‌گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس

ویژه‌نامه
چندرسانه‌ای
ماهنامه شبهات

۱۲۱

از تنگه هرمز تا نظم جدید جهانی؛ سه لایه یک پیام راهبردی

شبهه: پیام اخیر رهبر انقلاب در مورد ۱۳ آبان چه تفاوتی با دیگر تحلیل ها داشت؟



پیام آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی را نمی‌توان یک پیام مناسبتی ساده خواند؛ این متن، در برش‌های منتشرشده خود، یک سند راهبردی و تبیینی است که سه لایه معنایی مشخص را در هم می‌بافد: بازتعریف مفهوم مقاومت، ترسیم نظم جدید جهانی و ارائه نسخه داخلی برای قدرت‌سازی. آنچه این پیام را از بیانیه‌های مشابه متمایز می‌کند، پیوند دقیق میان سه سطح «گفتمان»، «میدان» و «جامعه» است؛ پیوندی که هر بخش آن مکمل بخش دیگر است و مجموعاً یک نقشه راه کامل را پیش روی مخاطب داخلی و خارجی قرار می‌دهد.

محور اول: از «روز» به «گفتمان»

نخستین نکته قابل توجه، گسترش دامنه زمانی و مفهومی سیزدهم آبان است. رهبر انقلاب با عبارت «نه فقط سیزدهم آبان بلکه همهٔ روزها و ساعات، ایّام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است»، مقاومت را از یک مناسبت تقویمی به یک وضعیت دائمی و گفتمانی تبدیل می‌کنند. این بازتعریف پیامی دووجهی دارد: از یک سو به بدنه اجتماعی و نیروهای وفادار می‌گوید مبارزه پایان‌ناپذیر است، و از سوی دیگر به تصمیم‌گیرندگان هشدار می‌دهد مقاومت را نمی‌توان به تاکتیکی مقطعی یا ابزار چانه‌زنی کاهش داد. در واقع، پیام تلاش می‌کند مقاومت را از حافظه تقویمی به حافظه راهبردی منتقل کند.

محور دوم: خلیج فارس و تنگه هرمز؛ بازسازی افسانه‌زدایی

بارزترین بخش پیام، اشاره صریح به تنگه هرمز و خلیج فارس است. رهبر انقلاب با تعبیر «بطلان افسانهٔ شکست‌ناپذیری امریکا» تلاش می‌کنند روایتی راهبردی بسازند: قدرت نظامی آمریکا نه تنها مطلق نیست، بلکه در این منطقه آزمون خود را پس داده و شکست خورده است. نکته مهم‌تر، اشاره به «ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملّت خویش اتّکا می‌کنند» و «بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده» است. این جمله در واقع یک درس منطقه‌ای است: هر حکومتی که امنیت خود را به آمریکا گره بزند، در لحظه بحران رها خواهد شد. این بخش را می‌توان در امتداد تحولات اخیر منطقه و بازآرایی اتحادها تفسیر کرد.

محور سوم: از بازدارندگی به نظم جدید جهانی

رهبر انقلاب در بخش دیگری، «مدیریت ایران بر تنگه هرمز» و «از بین بردن پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه» را «جهادی ابتدایی علیه استکبار» می‌نامند که «در صورت تکرار تعدّیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت». این عبارت هم هشدار بازدارنده است و هم چارچوب تفسیری: اقدامات ایران نه آغازگرانه، بلکه واکنشی به تجاوز توصیف می‌شود. در ادامه، پیام از «وحدت ساحات جبههٔ حق» و «حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانهٔ جبههٔ مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن» سخن می‌گوید و آن را «طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبههٔ حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی» می‌خواند. این بخش، پیام را از سطح منطقه‌ای به سطح نظام بین‌الملل ارتقا می‌دهد و مقاومت را نه تاکتیکی دفاعی، بلکه پروژه‌ای برای بازآرایی نظم جهانی معرفی می‌کند.

محور چهارم: هشدار به تسلیم‌گرایی

بخش دوم پیام، صریح‌ترین هشدار داخلی است. رهبر انقلاب با انتقاد از کسانی که «اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند» یا «تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند»، این تصور را «سخت در اشتباه» و «ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیم» می‌نامند. این عبارت پاسخی است به گفتمان مذاکره و تنش‌زدایی که در برخی محافل داخلی مطرح می‌شود. منطق پیام روشن است: امتیازدهی، دشمن را جری‌تر می‌کند و سرمایه ملی را بر باد می‌دهد. این بخش را می‌توان به مثابه خط‌کشی سیاسی در آستانه تصمیم‌های کلان کشور خواند.

محور پنجم: نسخه داخلی قدرت‌سازی

بخش سوم پیام، نقطه اوج پیوند سیاست خارجی و داخلی است. رهبر انقلاب «استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر» را «تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق» می‌دانند و «یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی» را «عنصر اصلی موفقیّت» معرفی می‌کنند. نکته مهم، تأکید دوطرفه است: هم حمایت ملّت از مسئولان لازم است و هم «استمرار و ارتقاء توجّه مسئولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیّت با مردم و تأمین معیشت و آسایش و رشد مادّی و معنوی». این جمله پاسخی است به نقدهایی که مقاومت را در تضاد با رفاه و معیشت می‌بینند؛ رهبر انقلاب معیشت را نه جایگزین مقاومت، بلکه شرط لازم قدرت‌سازی معرفی می‌کنند.

جمع‌بندی

مجموع نکات منتخب از پیام ایت الله سید مجتبی خامنه ای، یک کل منسجم را می‌سازند: افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا پایان یافته، مقاومت به وضعیتی دائمی و منطقه‌ای تبدیل شده، تسلیم‌گرایی خطای راهبردی است و قدرت داخلی از مسیر وحدت و خدمت می‌گذرد. این پیام را باید در بستر تحولات منطقه‌ای و بحث‌های داخلی درباره آینده سیاست خارجی خواند؛ متنی که هم مخاطب بیرونی آن را باید جدی بگیرد و هم مخاطب داخلی. تحلیل این پیام بدون توجه به این سه لایه ناقص خواهد بود.